



### حقایقی که سیاهپوست بودن آدم(ع)، حوا و حضرت مسیح را اثبات می‌کند

دانشته‌های مربوط به افراد کتاب مقدس، بر سیاهپوست بودن آنها تأکید می‌کند و این باور در اروپا و نزد خداپرستان اولیه نیز رایج بوده است، اما کلیسای کاتولیک رومی با نژادپرستی بر آن سرپوش گذاشت.

دانشته‌های مربوط به افراد کتاب مقدس، بر سیاهپوست بودن آنها تأکید می‌کند و این باور در اروپا و نزد خداپرستان اولیه نیز رایج بوده است، اما کلیسای کاتولیک رومی با نژادپرستی بر آن سرپوش گذاشت.

به گزارش خبرنگار مهر، متنی که در ادامه می‌خوانید توسط بخش پژوهش رایزنی فرهنگی ایران در غنا تولید شده و مروری است بر دو کتاب «آداب و رسوم سنتی گا-دانگمه غنا» نوشته جوزف نای آبکار منشا و «آفریقایی‌هایی که کتاب مقدس را نوشتند؛ اسرار باستانی آفریقا و ناگفته‌های مسیحیت» نوشته نانا بانچی دارکواه، که متاسفانه تاکنون هیچکدام از این دو کتاب به فارسی ترجمه نشده‌اند. این رایزنی پیشتر نیز در گزارش ارسالی پیشین خود به مهر به معرفی قبیلۀ Ga-Dangme پرداخته بود که می‌توانید آن را از اینجا مطالعه کنید.

#### مختصری از تاریخ باستانی گا - دانگمه

در نگاهی به تاریخ آفریقا همواره با پدیده‌هایی روبه‌رو می‌شویم که می‌توانند برای ما خوشایند یا ناخوشایند باشند. اما تاریخچه «گا & ندانگمه» خوشایند است، زیرا برای کسانی که آن را می‌خوانند و می‌پذیرند قابل فهم است اما برای کسی که فقط اطلاعات را آن گونه که هست دریافت کرده و از پذیرش آن امتناع می‌کند، مشکل ساز است.

زمانی که آفریقا در مرکز امور جهان بود، هیچ آدم و حوایی، هیچ یهوه‌ای و هیچ کتاب‌پیدایشی وجود نداشت، بعدها عبری‌ها ۵ کتاب موسی، شش و هفت کتاب عرفانی و جادوگری را نوشتند. به ما گفته شده که اولین فرد عبری مردی بود به نام ابراهیم (ع). او در شهری به نام اور در کلدۀ در سال ۱۷۰۰ پیش از میلاد به دنیا آمد. این بدان معنا است که وی از یک زن و مرد متولد شده است.

در همسایگی قوم ابراهیم (ع) اقوام و همسایگان دیگری نیز حضور داشتند. بنابراین، همانطور که مشهود است، هنوز ملتی مانند اسرائیل وجود نداشته است. یعنی سلیمان نبی هنوز به دنیا نیامده است. در آن زمان آفریقا از سلسله استفاده می‌کرد، و ما به گفته کتاب «آخرت» (در اروپا از آن به عنوان کتاب مردگان نام برده می‌شود) حدود ۲۵ سلسله را تجربه کردیم که ابراهیم همزمان با چهاردهمین سلسله متولد شده است.

قبایلی در آفریقا وجود دارند که تاریخ شفاهی و برخی آداب و رسوم عبری آنها می‌تواند شاهی بر این مدعا باشد که آنها از فرزندان اسرائیل هستند. گا-دانگمه یک گروه قومی در غنا و توگو است در طول و امتداد دره نیل هیچ سلسله آسیایی یا اروپایی وجود نداشت. بنابراین، اگر ما سلسله داشتیم، بدان معنا است که ما فرعون‌ی نیز داشتیم. آفریقا تا زمان ورود آسیایی‌ها در سلسله چهاردهم، دارای فرعون‌ی حاکم بر این سرزمین بود. یعنی اولین گروه از آسیایی‌ها در سلسله چهاردهم به منظور تسخیر بخش‌هایی از آفریقا به این سرزمین آمدند.

آفریقا لژهای ماسونی را ایجاد کرد و برای حفظ تمدن خود، در سومین سلسله، به ساختن ساختار تمدنی در مصر ادامه داد.

مصر آخرین سلسله از سلسله‌های آفریقا بود. اولین کشور آفریقایی که در امتداد دره نیل ساخته شد، در مرکز آفریقای شرقی قرار داشت، امروزه از این منطقه تحت عنوان اوگاندا نام برده می‌شود. این بخشی از پادشاهی «باکونگو» بود. این پادشاهی ۴۱۰۰ سال قبل از دوران مسیحی وجود داشته است. سلیمان در حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح زمانی که یونان بوجود آمد، ظهور یافت. رم و یونان اولین کشورهای اروپایی بودند که در این زمان به رسمیت شناخته شدند، مگر آنکه دانشمندان لاتین افسانه‌گرگی را که «رموس و رومولوس» را پرورش داده است، به عنوان خالقان روم یعنی اولین کشور اروپایی شناخته شده، بپذیرند.

بنابر شواهد تاریخی، نخستین شخصیت ادبی در سرتاسر اروپا نویسنده «ایلیاد و اودیسه» بود. هومر کتابی را برای

همه اروپاییان نوشت تا بخوانند. تا آن زمان، هیچ کار دیگری به غیر از آن ۲ کتاب در اروپا نوشته نشده بود. حتی هومر در «ادیسه» می گوید، خدایانی که یونانیان پذیرفته اند از اتیوپی بیرون آمده اند. اتیوپی یا «آبسینیان» در اروپا نیست بلکه در آفریقا است. پدر تاریخ یعنی هرودوت اظهار می گوید که در آفریقا آموزش دیده است اما هرگز مجاز به ورود به داخل معابد آفریقا نبوده است. «اسکیپیو آفریکانوس» (۱) رسماً گفته است که ذهن آفریقایی به سرفرت رفته است.

«گا &ndash; آدانگبه» که بخشی از اعضای نسل های باستانی نوبی (نوبین ها) بودند، زمانی در مناطق متعلق به مردمان اوبایدان واقع در منطقه باستانی ساما شینا مستقر شدند. شینا سرزمین رودخانه های دجله و فرات است، منطقه ای که گمان می رود محل استقرار بهشت باستانی (باغ عدن) باشد. یک سرزمین مقدس با اعمال مقدس نوبین های باستان، در دوران اوراکل کینگ واریور و قبل از آن، نیمروید (نیملو)، پسر «کوشی» (کوش) و نوه «نوبیان» (نوح) وارث سیل عظیم است، که بعدها به بین النهرین معروف شد.

زبان «نوبیانی» با پایندی به میراث معنوی خود، اصالت اش را حفظ کرده است. این مسئله در زبان آدا که از زیر مجموعه های قوم «گا &ndash; آدانگبه» به شمار می رود، مشهود است؛ که به منظور حفظ نام اجدادی، «نیملور» بوسیله عبری مدرن، یونانی یا لاتین به «نیمروید» هجی شده است. بنابراین، یک عبارت در زبان آدا نور چاپی نیملو یا نوملو عیناً به معنای این عبارت است «این شخص نیمروید (نیملو) نیست.» در واقع این بیان خطاب به شخصی است که مشخصات و خصوصیات نیملو جنگجو، پادشاه، پیشگو یا شخصیتی معنوی نیست. به عبارت دیگر، به فردی که وجاهتی ندارد، یا هر فرد بدکردار، ممکن است با عنوان «نور چاپی نیملو» مورد خطاب قرار بگیرد.

به گفته نانا بانچی دارکواه، نویسنده و محقق غنایی، سیاهان آفریقایی مصر باستان کتاب مقدس را نوشتند و کلیسای کاتولیک این حقیقت را پنهان و سرکوب می کند  
هزاران سال قبل از میلاد مسیح «آدا / کروبو»، «گا»، «گبه» و سایر ملل وابسته بخشی از ملت «یوهابا» (یوربا)، سپس بخشی از «سوما / اوبایدا» بودند که از سوی سرزمین های مجاور مورد حمله و ویرانی قرار گرفتند. پس از این حملات برخی از نوبین ها در درون کشور و سرزمین های خود به بردگی گرفته شدند و بسیاری از آنان به سرزمین های دیگر در قاره نوبین که هم اکنون آفریقا نامیده می شود، نقل مکان کردند.

بیشتر این اقوام به دلایل امنیتی نام کشورهای خود را تغییر دادند و برخی دیگر نیز به دلیل ورود استعمار اروپا، علاوه بر نام کشور، دین و زبان خود را نیز تغییر دادند.

امروزه بسیاری از مردم «ایبادا» (اوبایدان) متعلق به قلمروی سوما را می توان در میان بسیاری از بخش های آفریقا، بویژه در «یوروبا» ی نیجریه یافت.

برخی دیگر که توانستند نام «سوما» را حفظ کنند، هم اکنون در شمال شرقی نوبیا، یا به عبارت دیگر شمال شرقی آفریقا، استقرار دارند. آنها قوم سوما هستند که هم اکنون کشورهای سومالی و اریتره را تشکیل می دهند.

همچنین این قوم پیش از آنکه تحت تأثیر فنقی ها و زبان فنقی قرار بگیرند، برخی از آنان به سرزمین های فعلی آفریقای غربی مهاجرت کردند. در آن زمان، دو برادر دوقلو از سوما به نام های «فو» و «فو-لا» که نسل ها بعد به عنوان فولانی معروف شدند، به مناطق مختلفی مهاجرت کردند. گروه های عظیمی از اعقاب فو / فولا در مناطق وسیعی از آفریقای غربی زیر صحرا به نام کشور مالی مستقر شدند و سپس با برخی از اقوام نسبی خود در آمیخته اند.

سپس نام فو یا فولا که در زبان یونانی تفنو یا تفونو خوانده می شود، به رودخانه ای که بعدها نام رود فرات را به خود گرفت، داده شد. در حالی که خواهر دوقلوی آن یعنی دجله با اقتباس از قبایل سوما این نام را به خود اختصاص داده بود.

پاره ای از مردمان «نو» که امروزه به صورت آوایی به عنوان نوبین ها گروه بندی شده اند با ملتی به نام گا &ndash; آدانگبه (گا &ndash; آدانگبه) ادغام شدند که از سواحل مناطق فوقانی رودخانه نیل و قلمرو وسیع دریاچه نیانزا به سمت سرزمین های سوما مهاجرت کردند. در این منطقه آنها با سایر قبایل نسبی نوبی در آمیختند.

گرچه تولد نام «گا &ndash; آدانگبه» اندکی قبل از استعمار انگلیس در غنا مدرن رخ داد، اما اقلیت های زیر مجموعه گا &ndash; آدانگبه قبل از حضور انگلستان و به طور کلی اروپا، وجود داشتند. با این حال، از زمان استعمار آفریقای غربی توسط اروپایی ها، بسیاری از سرزمین های آفریقای غربی تحت تأثیر آنها قرار گرفته بودند و بیشتر آنان یک نگرش اروپایی را به تصویر می کشیدند، که این امر با صحبت کردن به زبان های اروپایی بیش از زبان خودی، همچنین ترجیح

استفاده بیشتر از لباس های مد اروپایی تا لباس های بومی، مشهود است.

گا &ndash; دانگبه: اعقاب عبریان در آفریقا؟

قبایلی در آفریقا وجود دارند که تاریخ شفاهی و برخی آداب و رسوم عبری آنها می تواند شاهی بر این مدعا باشد که آنها از فرزندان اسرائیل هستند. گا- دانگمه یک گروه قومی در غنا و توگو است. افراد «گا» و «دانگمه» به لحاظ قوم شناسی به ترتیب به عنوان بخشی از گروه «گا- دانگمه» طبقه بندی می شوند. گا- دانگمه ها یک گروه قومی هستند که در درجه اول در منطقه آکرای بزرگ در غنا زندگی می کنند. نام قومی و نژادی آنها مانند لارتی، نورتی، آریایی، پوکو، لمپتی، تیتا، آنکرا، تیفیو، لاریا، آیتی، اوکین، بورتی، کواپه، کواپنور، آشانگ و کوتی، از کلمه «گا» استفاده می شود.

بر اساس برخی افسانه ها، مردم «گا» از نیجریه مهاجرت کرده اند، برخی دیگر نیز بر این عقیده هستند که آنها بخشی از اسرائیل بودند که از طریق اوگاندا امروزی به سمت جنوب، سپس در امتداد رودخانه کنگو و از جانب کامرون، نیجریه، بنین، توگو حرکت کرده و سرانجام به آکرای بزرگ مهاجرت کرده اند. در فرهنگ و تاریخ قبیله «گا- دانگمه» غنا شواهد محکمی وجود دارد که نشان می دهد، آنها نوادگان مستقیم اسرائیلی های عبری هستند که از طریق مصر، اتیوپی، سودان، دریاچه چاد، ایل الیف، داهوم، توگو و گلد کاست (غنا امروزی) به غرب آفریقا مهاجرت کرده اند. فرهنگ، آداب و رسوم، قوانین و حتی برخی از نام های آنها با آنچه در کتاب مقدس ذکر شده بسیار یکسان است. بنابراین، تنها نتیجه گیری منطقی که حاصل می شود این است که آنها، همانطور که ادعا می شود فرزندان عبری بنی اسرائیل هستند.

افراد ذکر شده در کتاب مقدس سیاهپوست بوده و در تصاویر قدیمی کلیسای کاتولیک اولیه اروپا «خدای مسیح و مادرش» به مردمانی سیاهپوست توصیف شده اند. خدای شیرخوار در آغوش مادر سیاه خود، چشمانش و رنگ سفید پارچه ای، کاملاً سیاه هستند

با این حال، بحث در مورد ریشه های واقعی «گا- دانگمه» همچنان ادامه دارد. بسیاری از مورخان، انسان شناسان، متخصصان ژنتیک و &hellip; تلاش می کنند تا با استفاده از روش های مختلف تحقیق به این سوال درباره منشأ «گا- دانگمه» پاسخ دهند. جوزف نای آبکار منشا در «آداب و رسوم سنتی گا-دانگمه غنا» سعی کرده تا از طریق بررسی تاریخ کتاب مقدس، تاریخ شفاهی، استدلال علمی یا منطقی به این سوال پاسخ دهد.

اگر کتاب مقدس را در نظر بگیریم، برخی اسامی گا- دانگمه، آداب و رسوم و معاملات آنها را می بینیم، مانند جشنواره «هوموو»، نام برخی از شهرها و روستاهای آنها (مانند تما، آدا، هیرون، لا، اوسو و &hellip;)، ضرب المثل ها و قوانین گا- دانگمه (که شبیه به ده فرمان است) و بسیاری از موارد دیگر که با آنچه در کتاب مقدس وجود دارد، یکسان است، این موارد به همراه تاریخ شفاهی آنها، تنها نتیجه گیری منطقی که ممکن است دست دهد، این است که گا- دانگمه، همانطور که ادعا می کنند فرزندان عبری بنی اسرائیل بر اساس کتاب مقدس هستند.

بر اساس تاریخ شفاهی این قوم، چنین روایت شده که مردم گا- دانگمه در حدود قرن ششم قبل از میلاد از اسرائیل و از طریق مصر و سپس اتیوپی مهاجرت کرده، یا توسط آشوریان تبعید شده اند (مکاشفات کتاب مقدس عبری، ژوئیه ۲۰۰۸). این مهاجران در استان گوندر در شمال اتیوپی، جایی که سرچشمه رود نیل آبی است، مستقر شدند. این منطقه همان جایی است که نام «نای ولومو» به معنای مقام برتر نیل از آن گرفته شده است. در ۴۶۰ سال پیش از میلاد آشوریان در حالی که در اتیوپی حضور داشتند، مجدداً به گا- دانگمه حمله می کنند، در نتیجه آنها از اتیوپی به سودان جنوبی مهاجرت کرده و برای مدتی در سامه ی نیجر اقامت می کنند و سپس به ایلیف در نیجریه مهاجرت کرده و ساکن می شوند. قوم دانگمه در مهاجرتی دیگر، مجدداً در سال ۱۱۰۰ پس از میلاد به داهوم و بعد به هاتسی در توگو رفته و به مدت کوتاهی سکنی گزیدند و سرانجام با ترک این منطقه به آکرای بزرگ مهاجرت کرده اند.

مصریان باستان کتاب مقدس را نوشتند

به گفته نانا بانچی دارکواه، نویسنده و محقق غنایی، سیاهان آفریقایی مصر باستان کتاب مقدس را نوشتند و کلیسای کاتولیک این حقیقت را پنهان و سرکوب می کند. این نویسنده در کتاب «آفریقایی هایی که کتاب مقدس را نوشتند: اسرار باستانی آفریقا و ناگفته های مسیحیت» که در سال ۲۰۰۲ به رشته تحریر در آمده است، بر این نکته تأکید دارد که بدترین دروغ و گناه کلیسا، دگرسازی هویت های نژادی و قومی عیسی مسیح، مادرش و افراد سیاه پوست درون کتاب مقدس با سفیدپوستان بوده و این امر با قصد قبلی و به منظور جلب رضایت احساسات نژاد پرستانه نوظهور اروپایی ها علیه مردمان سیاه پوست صورت گرفت است.

ابتدا، برای اینکه حقیقت گفته های فوق را دریابیم و آن را به عنوان این واقعیت که سیاه پوستان آفریقایی مصر باستان کتاب مقدس را نوشتند بپذیریم، لازم است، برداشت های غلط و دروغ های ساختگی اروپای مسیحی، بویژه کلیسای کاتولیک روم و اعمالی را که آنها با نقاشی های باستانی مصر به عنوان بت پرست، شیطان، کافر و مشرک انجام داده اند، برطرف کنیم.

همچنین باید درک کرد که انگیزه اروپای مسیحی و کلیسای کاتولیک برای حمله به مصر باستان با چنین پیشینه منفی بر این حقیقت بوده که کاهنان اعظم مصر باستان همان نسخ خطی را نوشتند که ما امروز آنها را به عنوان کتاب مقدس می شناسیم.

اعقاب این مصریان باستان امروزه در سراسر صحرای آفریقا بویژه در کشورهای غنا، نیجریه و ساحل عاج زندگی می کنند.

اولین «کتاب مقدس» یا طومار به ثبت رسیده توسط انسان، - ضمن احترام و پاسداری از حرمت «خالق عالم بشریت»&ndash; مربوط به مردمان آفریقای ساکن دره نیل در کمت (مصر)، دریاچه های بزرگ مناطق مرکزی، شرق و شمال آفریقا بوده است.

این کتاب توسط خالفان و توسعه دهندگان آفریقایی خود، به عنوان کتاب «آینده پیش رو با طی شب ها و روزها» نام نهاده شده بود. این نام از «متن اصلی مدا نتچر» (۲) توسط اروپاییان در اواخر قرن نوزدهم به انگلیسی ترجمه شده است. ساده ترین کتاب خواندنی که «کتاب مصری مردگان» نام دارد.

این اثر توسط مصر شناس انگلیسی، «سر ارنست ا. والیس بودج» ترجمه شده است. این کتاب مقدس اصیل تقریباً ۳۴۰۰ سال قبل از عهد عتیق و بیش از ۴۲۰۰ سال قبل از عهد جدید توسط سیاه پوستان آفریقایی تولید و نسخه های بی شماری از آن نوشته و منتشر شده است. به گفته «دارکواه» صلیب مصر باستان اولین و مقدس ترین نماد دین است.

مصر شناسانی که به باور خود کتاب «مدا نتچر» مصر باستان را با موفقیت رمزگشایی کرده اند، می گویند که نام آن «آنخ» نهاده شده که به معنای زندگی است. این معنا درست است با این وجود، دقیقاً آن چیزی نیست که مصریان باستان آن را صدا می زدند. زبانی که این کلمه از آن سرچشمه گرفته «آکان» است و در واقع به معنای زندگی است. این نماد، سمبل مقدس مذهبی مصریان باستان بود که صلیبی را که بر روی آن مسیح را مصلوب کرده اند، به عنوان یک نماد مسیحی مقدس تقویت می کرد. این اتفاق چگونه رخ داده است؟

کلیسای اولیه مسیحی مصر باستان نماد «انکوا» (۳) را به عنوان سمبل کلیسای خود به تصویب رساند و آن را «کراکس آنساتا» نامید. از اینجا آن را به رم بردند و با تغییری اندک در طراحی به یک نماد مسیحی تبدیل کردند. نماد انکوا در حفاری های مقبره «توتو آنکوما» پادشاه آکان پسر پادشاه مصر باستان که نام اروپایی آن به «توتونخامون» تغییر یافت، کشف شد.

شواهد و مدارک بسیار زیادی وجود دارد که نشان می دهد «مسیح ناجی» فردی سیاهپوست یا حداقل مردی سیاه چرده بوده است، همانطور که ذکر شده، وی فرزند مریم باکره است و در دوره ای زندگی کرده یا بر روی زمین استقرار داشته است

وی از سال ۱۳۲۷ & ۱۳۳۶ &ndash; پیش از میلاد حکومت می کرد. به گفته نانا دارکواه، روشنفکران مصر باستان تحت هدایت گروه های قومی مانند آکان، ایو، گا &ndash; آندانگبه، هوسا و ایبو قرار داشتند. با این حال وی ادعا می کند که «آکان» طبقه اصلی حاکم در مصر باستان بودند و اکثر پادشاهان مصر باستان نام های آکان داشتند. او همچنین نوشته که پدران روحانی اولیه مسیحی و کلیسا چیزهای زیادی را می دانستند اما نمی خواستند توده های مسیحی درباره تاریخ، پیشینه، محتوای و افراد ذکر شده در کتاب مقدس اطلاع داشته باشند.

نژادپرستی کلیسا در نادیده گرفتن تبار سیاه قدیسن

در نتیجه، نقشه مسیحیت مبتنی بر محافظت از کتاب مقدس در برابر توده های مردم و افراد غیر روحانی بود. بنابراین، تا زمان اصلاحات در قرن ۱۵ میلادی از کتاب مقدس به صورت محرمانه ای حفاظت می شد و محتوای آن فقط برای معدود کلیساها شناخته شده بود. به همین دلیل، برای حفاظت از دسترسی توده ها به کتاب مقدس، نقشه عملی مسیحیت

این بود تا کادری از کشیشان واسط بین کتاب مقدس و توده های مردم قرار بدهند.

خاستگاه آفریقایی مسیحیت دانش مشترک بین دانشمندان غربی و پدران اولیه کلیسای «آپولیستیک» مدت ها قبل از رنسانس اروپا بود. این دانش به طور متداول در گذشته توسط سفیدپوستان آریایی مورد استفاده قرار می گرفت و امروزه نیز رایج و متداول است.

در اروپا بودند دانشمندان زیادی که از خطاها، جعل های صورت گرفته و مفروضات دروغین در مبانی مسیحیت آگاهی داشته و درباره این موضوعات بنویسند. جرالدمسی، یکی از این محققان و نویسندگان اروپایی آمریکایی بود که برخی از این حقایق را در کتاب خود با عنوان «دلایل طبیعی: کتابی درباره مبتدا» (۱۸۸۳)، به نام داستان و عملکرد مسیحیت اروپایی: «عشق دروغین افسانه ای» آورده است.

علاوه بر این، در «اسطوره آریایی: تاریخچه نژادپرستی و اندیشه های قومی اروپا»، لئون پولیاکوف فاش کرد که دانسته های مربوط به افراد درون کتاب مقدس، بر سیاهپوست بودن آنها تأکید می کند و این امر در اروپا و نزد خداپرستان اولیه اروپایی نیز رایج و معمول بوده است. جیمز کاول، مشهورترین مردم شناس نیمه اول قرن نوزدهم، در حدود سال ۱۸۱۰ شرح داده است که «آدم و حوا سیاهپوست بودند» و در سال ۱۸۳۶، یک مستشرق مشهور انگلیسی، «سر گودفری هیگینز» این مطلب را در «آناکلیسیس» یا تحقیقی در خصوص منشأ زبان ها، ملل و مذاهب ذکر کرده است.

وی در این کتاب خاطرنشان کرده که افراد ذکر شده در کتاب مقدس سیاهپوست بوده و در تصاویر قدیمی کلیسای کاتولیک اولیه اروپا «خدا مسیح و مادرش» به مردمانی سیاهپوست توصیف شده اند. خدای شیرخوار در آغوش مادر سیاه خود، چشمانش و رنگ سفید پارچه ای، کاملاً سیاه هستند. در سال ۱۸۷۵، کرسی گریوز کتابی با عنوان «شانزده نجات دهنده مصلوب جهان» را به رشته تحریر در آورد. وی در این کتاب اثبات کرده که «مسیح و مردمان ذکر شده در کتاب مقدس در اصل مردمانی سیاهپوست بودند.»

وی در بخش دیگری از این کتاب نوشته است: شواهد و مدارک بسیار زیادی وجود دارد که نشان می دهد «مسیح ناجی» فردی سیاهپوست یا حداقل مردی سیاه چرده بوده است، همانطور که ذکر شده، وی فرزند مریم باکره است و در دوره ای زندگی کرده یا بر روی زمین استقرار داشته است. همچنین این شواهد گواهی بر شاگردان ایشان است که تقریباً فرصت خوبی برای شناختن چهره او به عنوان بشارت دهنده داشتند، مانند مبلغانی که از گفتن هر چیزی در مورد وی چشم پوشی می کردند. در تصاویر و پرتره های مسیح توسط مسیحیان اولیه، او به طور یکنواخت به عنوان سیاهپوست نشان داده شده است.»

وی بحث را این چنین ادامه داده است: «مجسمه سنت پیتر در داخل کلیسای سنت پیتر در رم ایتالیا، تصویر مردی سیاهپوست است. بدین معنا که سنت پیتر مردی سیاهپوست بود. بنابراین، آخرین سخنان عیسی قبل از اعدام این بود که یک مرد سیاهپوست کلید بهشت را دارد.

به گفته «اچ. ام مولانا» حاکمیت اشرافی اروپا همواره نفرت خود را در برابر مردم به اصطلاح یهودی نشان داده است، زیرا در محافل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها، به خوبی نشان داده می شود که خاستگاه این افراد از سیاهان آفریقایی بوده که از مصر باستان به اروپا تغییر مکان داده اند. باید توجه داشت که عقاید و نظریه های منفی دانشمندان اولیه انسان شناسی اروپایی همواره در تقابل با سیاهپوستان آفریقایی قرار داشته است، بنابراین، دانش و واقعیت مبتنی بر فلسفه و حکمت الهی به طور یقین موجبات خجالت اجتماعی و سیاسی را برای عملکرد اروپاییان به همراه خواهد داشت.

پی نوشت ها

۱. یک ژنرال رومی بود که اکنون به عنوان یکی از بزرگترین فرماندهان نظامی و استراتژیست های تمام دوران شناخته می شود. دستاورد اصلی وی در طول «جنگ دوم پونیک» (Second Punic War) بود. وی به دلیل شکست دادن هانیبال Hannibal در نبرد زما Zama (نزدیک زمای جدید در تونس) در سال ۲۰۲ پیش از میلاد شناخته شده است. این پیروزی یکی از شاهکارهایی بود که وی را در کسب این لقب کمک کرد.

۲. زبانی است که مردمان «کمت» و دانشمندان آفریقایی برای ابراز تفکرات خود از آن استفاده می کردند.

۳. بنابر اعتقاد مردم غنا و ساحل عاج، Nkwa مرجع مشخص زندگی است. انکوا به طور انتزاعی به زندگی اشاره نمی کند، بلکه به زندگی در قابل لمس ترین شکل خود می پردازد. معمولاً از انکوا به عنوان فراوانی یا کامل بودن زندگی یاد می شود. تجلی کامل انکوا شامل زندگی طولانی، باروری، قدرت، سلامتی، ثروت، خوشبختی، برتری و صلح است.

محمد آسیابانی